

# طیب زبان

گفتوگو با عبدالرحمان صفارپور  
معلم زبان آموزی

منیره حبیب پور

## اشاره

مهارت‌زبانی یا زبان‌آموزی مانند  
ریشه دواندن گیاه است.

اگر این ریشه‌افشانی زبانی نباشد، سایر مهارت‌ها هم چون خواندن و نوشتن نیز به ضعف یا به تعویق می‌افتد. در این جا به منظور آشنایی با عبدالرحمان صفارپور، یکی از پیشکسوتان و آموزگاران زبان‌آموزی، درباره‌ی این مهارت و تجربه‌ها و نظرات او در این زمینه به گفتوگو پرداخته‌ایم. صفارپور حتی همراه مدیریت و تدریس در کلاس‌های چندپایه که چند کار را با هم انجام می‌داد، تحصیلات دانشگاهی را نیز ادامه داده و هنوز نیز پس از سال‌ها، چه در مدارس و چه در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با اشتیاق کارش را دنبال می‌کند. در ادامه، مشروح این گفتوگو را تقدیم خوانندگان گرامی می‌کنیم.

## ○ آقای صفارپور، از تحصیلات و سوابق کاری خود بگویید؟

● با این که دزفولی هستیم، اما از دوره‌ی ابتدایی تا دبیرستان را در اهواز گذراندم. دانشگاه را در تهران به اتمام رساندم و هم‌زمان معلمی هم کرده‌ام. **دکتر سیف** و **کریمی** از هم‌کلاسی‌های من بودند. اقتصاد آموزش و پرورش و روش‌های تدریس خوانده‌ام، اما در واقع از ابتدا مهارت زبان‌آموزی را دنبال کردم و در مراکز آموزشی نیز در همین زمینه مشغول تدریس بودم. از سال ۱۳۶۰ هم با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همکاری دارم.

## ○ سال‌های اول خدمت کجا بودید؟

● سال اول خدمتم در شهری در روستای «قلعه نوحاج موسی» اشتغال داشتم. آن زمان معلم‌ها را در محل زندگی به کار نمی‌گماردند. من خوزی هستیم، اما به شهری اعزام شدم و در یک کلاس چند پایه تدریس خود را شروع کردم.

## ○ شما با توجه به تخصص خود، چه تعریفی از مهارت زبانی دارید؟

● کودک ابتدا مهارت زبانی را یاد می‌گیرد. یعنی برای تفهیم مطلب و ارتباط و سپس حضور در مدرسه و خواندن و نوشتن، باید مهارت زبانی کسب کند. بعد از این‌هاست

که ادبیات شکوفا می‌شود. کودکی که مهارت زبانی‌اش قوی است، به سادگی مسائل ریاضی، علوم یا تاریخ و جغرافی را می‌فهمد. مشکل دانش‌آموزی که مسئله‌ی ریاضی را نمی‌فهمد یا مجموع و تفاضل را یاد نمی‌گیرد، به واسطه‌ی نداشتن مهارت زبانی است.

## ○ بنابراین با بچه‌های مناطق دوزبانه چگونه باید کار کرد؟

● در دوزبانه دو فاکتور داریم. یکی تئوری که از کشورهای دیگر می‌گیریم و دوم هم فاکتوری که بومی و محلی است. من در کردستان یا در آذربایجان بررسی کرده‌ام. باید ارتباط ایجاد کرد. نیاز است روش‌های معلم‌های موفق را در

## زبان آموز نویسنده

عبدالرحمان صفاریپور، مؤلف مقالات و کتاب‌هایی در زمینه‌ی زبان‌آموزی و الگوهای یاددهی و یادگیری املا و انشاست. نام تعدادی از کتاب‌های او در زیر آمده است:

- ✓ الگوهای یاددهی و یادگیری گام‌به‌گام انشای فارسی ابتدایی. سال ۱۳۷۹. انتشارات مدرسه.
- ✓ املاهای فارسی دوم دبستان، کتاب کار و خودآموز برای دانش‌آموز. سال ۱۳۸۲. محراب قلم.
- ✓ فارسی برابر با کتاب‌های بخوانیم - بنویسیم (کتاب کار سوم دبستان). سال ۱۳۸۴. مؤسسه‌ی علمی و آموزشی رزمندگان اسلام.
- ✓ کتاب کار فارسی چهارم دبستان، خودآموز پیشرفته‌ی فارسی براساس کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم. سال ۱۳۸۵.
- ✓ نوشتن و نگارش برای دانش‌آموزان پنجم دبستان. سال ۱۳۸۱. محراب قلم.

### یک خاطره

در تهران معلم‌های بسیاری مرا می‌شناسند و البته نسبت به من لطف دارند. روزی معلمی از کلاس بیرون آمد. حدود پانزده آذرماه بود. دست دانش‌آموزی را گرفته بود و با عصبانیت می‌گفت: «دو ماه و نیم از سال تحصیلی گذشته و این بچه هنوز اولین کلمه را از زیر به بالا می‌نویسد.» گفتم: «بنشین. یک فنجان چای بخور و به کلاس برو تا ببینم چه اتفاقی افتاده است.» بچه دانه‌دانه اشک می‌ریخت. برای ایجاد ارتباط از او پرسیدم: «معلمت را دوست داری؟» گفت: «خوبی دوستش دارم.» گفتم: «پس چرا چنین می‌نویسی؟» گفت: «هن برای خانم معلم می‌نویسم بابا.»

من گفتم: «برای خودت بنویس.» گفت: «اگر برای خودم بنویسم، او چه طور باید بخواند.» عمق قضیه را ببینید. او را به کلاس بردم و گفتم خانم تحویل بگیرد. خانم معلم گفت: «چه کردی. به او چه خوردی؟»

گفتم: «خانم، او تا حالا برای تو می‌نوشت، حالا می‌خواهد برای خودش بنویسد.» و این را در هیچ کتابی نمی‌توان یافت، به جز کتاب تجربه. آن چه من در دانشگاه به تئوری خوانده‌ام، در مدرسه‌ها به تجربه یاد گرفته‌ام. علم آن گاه آموخته می‌شود که کسی در آن شک کند و به تحقیق روی آورد.

فرهنگ‌سازی کنند.

### ○ آیا نتیجه‌ی زبان‌آموزی در درس‌های املا، انشا و روان‌خوانی ظهور می‌یابد؟

● بله. ما در همه‌ی درس‌ها زبان‌آموزی داریم. از این که می‌گویم بله، تجربه‌ای دارم که عرض می‌کنم. روزی در کلاس پنجم، دانش‌آموزی درس تاریخ را بلد نبود. پرسیدم: «چرا حاضر نکرده‌ای؟» گفت: «خوانده‌ام، اما نمی‌توانم جواب دهم!»

و البته من می‌دانستم مشکل چیست؟ معلم مانند طیب است. درسی را در مقابلش باز کردم و پرسیدم، مشکل کجاست؟ گفت: «نمی‌دانم خلیفه یعنی چه؟» و او حق داشت. چون وقتی خلیفه را نمی‌فهمد، جمله را هم نمی‌فهمد و وقتی جمله را ندانست، نمی‌تواند به شما جواب دهد. باید به تدریج با دانش‌آموز کار کرد. بزرگ‌سال در اثر تجربه، از روی جمله، مفاهیم را می‌فهمد، اما دانش‌آموز نه.

از طرف دیگر، کتاب درسی باید در قالب چارچوبی خاص تدوین شود. ما هنوز چارچوبی نداریم که مثلاً بگوید جمله باید چند حرف و کلمه باشد تا مبتدا و خبر در آن گم نشود. جمله‌ی کودک نباید بیشتر از پنج کلمه باشد. زمان ما با زمان مرحوم باغچه‌بان بسیار فرق دارد. الان ما در طرح‌های دارای درک مفهوم مانند «پزلز»، کم‌ترین امتیاز را می‌آوریم.

ما باید تئوری را بگیریم و با توان خودمان آن را سامان دهی کنیم. باید ببینیم دانش‌آموز چگونه یاد می‌گیرد و آن شیوه را دنبال کنیم.

مناطق گوناگون بررسی کنیم.

من و معلم می‌خواهیم کلمه‌ی «آب» را یاد بدهیم تا بچه بدانند این کلمه در ترکی «سو» می‌شود. آموزگار ما باید بداند کلمه‌ی «اول» فارسی نیست، ولی «دوم» فارسی است. این‌ها زبان‌آموزی است و با زبان‌شناسی تفاوت دارد.

### ○ نظر شما درباره‌ی نحوه‌ی زبان‌آموزی در کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم چیست؟ امروز با گذشته چه فرقی دارد؟

● این موضوع به نظر فرد خاصی وابسته نیست. نیاز به زمان دارد. هر کس آمده و خشتی روی خشت این بنا گذاشته است. **باغچه‌بان، رشدیده یا جهانشاهی**، بانی آن نبوده‌اند. یعنی این حرکت پیوسته ادامه داشته است. صحیح یا غلط بودن نتایج و شیوه‌های امروز و دیروز را هم نمی‌شود به راحتی بیان کرد. من می‌توانم کتابی از سال ۱۳۳۴ نشان دهم که در واقع بخوانیم و بنویسیم بوده است. اما افرادی که کتاب را برنامه‌ریزی و تدوین می‌کنند، باید به کارودانش موردنظر مسلط باشند. من با تحقیق بسیار در کتابخانه‌ها در سال ۱۳۷۶ کتاب «آموزش و پرورش» را نوشتم. به هر حال باید بی‌غرض نوشت. در کتاب فعلی «آب» را چندین گونه تصویر داده‌اند که به این صورت، ذهن کودک درگیر می‌شود. باید یک تصویر باشد تا مطلب جا بیفتد. نوه‌های من از روی تصویر می‌خوانند و می‌نویسند. فکر می‌کنم مجلات رشد بتوانند در این زمینه

